

پرش ها و پانچ ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوبه‌ها شعی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت خداوند (وجود، صفات و افعال)

۲. احکام؛ نکاح، حجاب و روابط جنسی

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: مجتبی شیردل

به تازگی، شبهات فراوانی در مورد همجنس‌گرایان و بیماران روانی مبتلا به تمایلات جنسی غیر انسانی مطرح می‌شود. با توجه به حکم اسلام در مورد این قبیل افراد، این پرسش پیش می‌آید که آیا مجازات یک فرد بیمار بر خلاف عدل خدا نیست؟ آیا مجازات کسی که هیچ نقشی در وجود این بیماری درون خود نداشته است، بر خلاف وجدان و شبیه به نژادپرستی نیست؟

اصلاً چرا باید خداوند اجازه‌ی تولّد افراد بیمار مادرزاد را بدهد؟ با توجّه به اینکه بدون دلایل زیست‌شناسی و با سلامت کامل مادر و محیط اطرافش هم امکان تولّد بیمار مادرزاد روانی وجود دارد. این یکی از شبهاتی است که دشمنان اسلام به این دین مبین الهی وارد می‌کنند. لطفاً روشنگری بفرمایید.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۲/۸

لطفاً به نکات زیر توجه کنید:

۱. بر خلاف ادّعای نادرست کافران که اخیراً آن را با شدّت تبلیغ می‌کنند، گرایش جنسی به همجنس، یک گرایش طبیعی نیست، بل یک گرایش کاملاً غیر طبیعی است که بر خلاف گرایش به جنس مخالف، هیچ فایده‌ای برای انسان ندارد و از این رو، باید جلوگیری یا برطرف شود. همچنین، ادّعای کافران مبنی بر اینکه گرایش جنسی به همجنس، یک گرایش ژنتیکی و مادرزادی است، یک واقعیت علمی ثابت و غیر قابل تردید نیست تا نوبت به شبهه‌ی شما درباره‌ی عدل خداوند برسد. این ادّعا در اصل برای توجیه شهوات افسارگسیخته‌ی آنان و مشروعیت بخشیدن به گناهان بزرگشان مطرح شده است و از این رو، نباید مؤمنان را فریب دهد و دچار شبهه کند.

گرایش جنسی به همجنس، یک گرایش عارضی است که در کودکان بر اثر بلوغ زودرس و در بزرگسالان تحت تأثیر عوامل محیطی شکل می‌گیرد و این هر دو، پیامد سبک زندگی مردم است که از اختیار آنان بر می‌خیزد، نه از آفرینش خداوند. این گرایش، در واقع تغییر آفرینش خداوند است که توسط شیطان و پیروانش انجام می‌شود و از این رو، نباید مسؤولیت آن را متوجه خداوند دانست. البته خداوند از روی حکمت و با هدف آزمایش، امکان گرایش به هر عملی از جمله رابطه‌ی جنسی با همجنس را در انسان قرار داده است، ولی کسی که این امکان را فعلیت می‌بخشد و به مرحله‌ی عمل می‌رساند، خود انسان است که با پشت کردن به عقل سلیم و تسلیم شدن در برابر اهواء نفسانی و محرک‌های محیطی، زمینه‌ی چنین خباثتی را در خود پدید می‌آورد؛ مانند قوم لوط علیه السلام که بنا بر ظاهر کتاب خداوند، پایه‌گذار این خباثت بوده‌اند؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَأَتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ﴾؛ «و لوط هنگامی که به قوم خود گفت: بی‌گمان شما کار زشتی را انجام می‌دهید که احدی از جهانیان پیش از شما آن را انجام نداده است».

آری، ممکن است یک بیمار روانی، رابطه‌ی جنسی نامشروعی داشته باشد، ولی اسلام او را مستحق مجازات ندانسته است تا جایی برای شبهه‌ی شما باشد؛ چراکه مبنای تکلیف در اسلام، عقل است و کسی که از عقل کافی برای تشخیص درست و غلط برخوردار نیست، از نظر اسلام مکلف محسوب نمی‌شود و تبعاً استحقاق مجازات ندارد، مگر اینکه منظور شما از بیمار روانی، کسی باشد که ادعا می‌کند گرایش جنسی ژنتیکی و مادرزادی به همجنس دارد، در حالی که از عقل کافی برای تشخیص درست و غلط برخوردار است؛ زیرا واضح است که چنین کسی بیمار روانی به معنای مصطلح محسوب نمی‌شود؛ خصوصاً با توجه به اینکه اگر فرضاً گرایش جنسی ژنتیکی و مادرزادی به همجنس واقعیت داشته باشد، باز هم انسان عاقل بر روی اعمال خود تسلط دارد و می‌تواند با تکیه بر عقل و نیرو گرفتن از دین، بر گرایش مذکور غالب آید و از رساندن آن به مرحله‌ی عمل بپرهیزد؛ همان طور که هر انسان طبیعی و سالمی، گرایش جنسی ژنتیکی و مادرزادی به جنس مخالف دارد، ولی این دلیل نمی‌شود که مرتکب زنا شود و اگر مرتکب زنا شد، گناه آن را بر گردن خداوند بیندازد و بگوید که خداوند من را دارای گرایش جنسی ژنتیکی و مادرزادی به جنس مخالف آفریده است! این یعنی وجود یک گرایش در انسان، عذری موجه برای رساندن آن به مرحله‌ی عمل نیست؛ چراکه انسان، دارای عقل و اختیار است و باید پیرو احکام خداوند باشد، نه پیرو گرایش‌های خود و اگر با وجود عقل و اختیار، از گرایش‌های خود پیروی کرد،

در پیشگاه خداوند مسؤول است و مستحق مجازات محسوب می شود و این شباهتی به نژادپرستی ندارد و بر خلاف وجدان و بر خلاف عدل خداوند نیست؛ چنانکه در روایتی از اسحاق بن عمار آمده است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَؤُلَاءِ الْمُخَنَّثُونَ مُبْتَلَوْنَ بِهَذَا الْبَلَاءِ، فَيَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُبْتَلًى، وَالنَّاسُ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ لَا يَبْتَلَى بِهِ أَحَدٌ لِلَّهِ فِيهِ حَاجَةٌ، قَالَ: نَعَمْ، قَدْ يَكُونُ مُبْتَلًى بِهِ، فَلَا تَكَلِّمُوهُمْ، فَإِنَّهُمْ يَجِدُونَ لِكَلَامِكُمْ رَاحَةً، قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، فَإِنَّهُمْ لَيُسْوُوا يَصْبِرُونَ، قَالَ: هُمْ يَصْبِرُونَ، وَلَكِنْ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ اللَّذَّةَ»^۱؛ «به امام جعفر صادق علیه السلام گفتم: این همجنس گرایان به این بلا مبتلا هستند و مؤمن هم مبتلا می شود، در حالی که مردم می پندارند کسی که خدا را با او کاری باشد به آن مبتلا نمی شود، فرمود: بله، ممکن است که به آن مبتلا شود، پس با آنان سخن نگویند؛ چرا که آنان با سخن شما آرامش پیدا می کنند، گفتم: فدایت شوم، آنان (مدعی هستند که) نمی توانند صبر کنند، فرمود: آنان می توانند صبر کنند، ولی با این کار به دنبال لذت هستند» و در روایت دیگری آمده است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَلَانَّ عَاقِلَ لَبِيبٍ، يَدْعُو النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ، قَدْ ابْتَلَاهُ اللَّهُ، فَقَالَ: فَيَفْعَلُ ذَلِكَ فِي مَسْجِدِ الْجَامِعِ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَيَفْعَلُهُ عَلَى بَابِ دَارِهِ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَأَيْنَ يَفْعَلُهُ؟ قُلْتُ: إِذَا خَلَا، قَالَ: فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْتَلِهِ، هَذَا مُتَلَدِّدٌ، لَا يَقْعُدُ عَلَى تَمَارِقِ الْجَنَّةِ»^۲؛ «به امام جعفر صادق علیه السلام گفتم: فلانی مرد عاقل و باهوشی است، ولی با مردان رابطه ی جنسی دارد، خداوند او را به این گرایش مبتلا کرده است، پس فرمود: آیا این کار را در مسجد جامع انجام می دهد؟ گفتم: نه، فرمود: آیا این کار را جلوی در خانه اش انجام می دهد؟ گفتم: نه، فرمود: پس کجا انجام می دهد؟ گفتم: در خلوت، فرمود: پس خداوند او را به این گرایش مبتلا نکرده (چون می تواند جلوی خودش را بگیرد)؛ او به دنبال لذت است و هرگز به تکیه گاه های بهشت تکیه نخواهد داد».

۲. آفرینش خداوند کامل و بی عیب است و هر جایی که نقص یا عیبی دیده می شود، از غیر خداوند نشأت گرفته است، خواه به صورت آشکار و مستقیم و خواه به صورت پنهان و با واسطه. به عنوان نمونه، ممکن است پدر و مادر کودک معلول، سالم باشند، ولی در هنگام نزدیکی یا بارداری احکام خداوند را رعایت نکرده باشند و این سبب معلولیت کودک شده باشد. در این صورت، مقصّر پدر و مادر هستند، نه خداوند؛ چنانکه فرموده است: «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ»^۳؛ «آن به سبب چیزی است که دست های خودتان پیش فرستاده است و خداوند ظلم کننده ی به بندگان نیست»، یا ممکن است پدر و مادر کودک معلول، سالم باشند

۱. الکافی للکلینی، ج ۵، ص ۵۵۱

۲. الکافی للکلینی، ج ۵، ص ۵۵۰

۳. آل عمران / ۱۸۲



و در هنگام نزدیکی و بارداری احکام خداوند را رعایت کرده باشند، ولی پدربزرگ و مادربزرگ یا کسانی دیگر از نیاکان کودک، در هنگام نزدیکی یا بارداری احکام خداوند را رعایت نکرده باشند و این سبب پیدایش ژنی معیوب در نسل آنان و نهایتاً معلولیت کودک شده باشد. در این صورت، مقصّر پدربزرگ و مادربزرگ یا کسانی دیگر از نیاکان هستند، نه خداوند؛ چنانکه فرموده است: **﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ﴾**^۱؛ «بی گمان خداوند به مردم ظلمی نمی کند، بل مردم هستند که به خودشان ظلم می کنند»^۲.



بایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوهای خراسانی
مجلس خبرگزاری خراسان



۱. یونس / ۴۴

۲. برای آگاهی بیشتر در این باره، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۳۰۰.